

«دمکراسی» از چه قماشیه؟

م. رازی

Razi@kargar.org

تحولات اخیر ایران در جنبش دانشجویی و سایر قشرهای تحت ستم ایران، بار دیگر مسئله چگونگی دسترسی به «دمکراسی» را در مرکز توجه مردم ایران قرار داده است. جناح «اقتدارگرا» خواهان بریدن سر آزادی های مدنی با شمشیر است. اما؛ جناح «اصلاح طلب» در مخالفت با اقتدارگری خواهان به ارمغان آوردن «جامعه مدنی» و «دمکراسی» بورژوازی غربی به ایران است، تا سر مردم را در آینده با پنبه ببرد. کارگران، جوانان و زنان آگاه ایران به نوع دیگری از «دمکراسی» برای دسترسی به آزادی های مدنی اعتقاد دارند: دمکراسی سوسیالیستی.

دمکراسی بورژوازی

بورژوازی از بدو پیدایش خود، برای مخفی نگهداشتن منافع طبقاتی اش، خود را به کذب حافظ منافع «کل» جامعه جلوه داده است. از مقولاتی نظیر «حقوق برابر همگانی»، «دولت ملی»، «منافع عمومی»، «دمکراسی عام» برای تحمیل مردم استفاده شده است. در واقع، کوچکترین وجه «عمومی» یا «عام» در هیچ یک از مقولات اقتصادی و اجتماعی بورژوازی، نهفته نیست. کلیه «قوانین» نظام سرمایه داری، «خاص»، «ویژه» و «یکجانبه» بوده و همه در خدمت منافع بلاواسطه طبقه بورژوا، قرار دارند.

مدافعان «چپ» سرمایه داری، کوشش می کنند که «دمکراسی بورژوازی» و «دمکراسی سوسیالیستی» را یکی جلوه دهند. طبعاً نه تنها طبقات متوسط جامعه که حتی بخش عمده ی طبقه کارگر نیز به این نظریات انحرافی آغشته شده و فریب آنها را می خورند.

از دیدگاه سوسیالیستهای انقلابی، کوچکترین وجه اشتراکی میان این دو نوع «دمکراسی» وجود ندارد. هر یک در خدمت یک طبقه خاص اجتماعی و در تضاد با طبقه دیگری قرار دارد. بر خلاف دیدگاه لیبرال ها و جناح «دمکرات» بورژوازی، «دمکراسی سوسیالیستی» نه تنها در تکامل «دمکراسی بورژوازی» نیست، بلکه درست در نقطه مقابل آن قرار دارد. دمکراسی بورژوازی برای حفظ سلطه بورژوازی و توجیه نظام سرمایه داری، طراحی شده است. در صورتی که دمکراسی سوسیالیستی به منظور نقض سیستم استثمار و از میان برداشتن دولت سرمایه داری، بنا نهاده شده است. مبارزه کارگران و زحمتکشان (و سایر قشرهای تحت ستم) تنها در راستای استقرار سوسیالیسم، جلوه واقعی می یابد.

در ایران، سرمایه داری، عقب افتاده تر از بورژوازی کشورهای امپریالیستی است. سرمایه داری ایران توسط امپریالیسم و از بالا بر جامعه تحمیل گشت. بورژوازی ایران، برخلاف بورژوازی غرب که سنت مبارزات ضد فئودالی و اعتقاد به دمکراسی بورژوازی را به همراه داشت، فاقد هرگونه اصالتی و سنتی است. در نتیجه، قادر به تحمل هیچگونه آزادی و دمکراسی نمی باشد. زیرا گشایش های دمکراتیک زنگ خطر را برای سرنگونی کل نظام به صدا در می آورد. برای

نمونه، رژیم دیکتاتوری نظامی شاهنشاهی به محض ایجاد گشایشهای دموکراتیک نسبی، در ظرف مدت کوتاهی توسط اعتراض های میلیونی سرنگون شد. در قرن اخیر، نشان داده شده است که بورژوازی در ایران (و سایر کشورهای جهان سوم) با هر شکلی که ظاهر گردند (تاج سلطنتی یا عمامه آخوندی) برای حفظ منافع خود راهی جز سلب کلیه آزادی های دموکراتیک ندارند. بورژوازی ایران در چارچوب نظام سرمایه داری بین‌المللی، هرگز قادر به رشد نیروهای مولده و حل مسایل بنیادی اقتصادی و اجتماعی نخواهد بود؛ و در نتیجه تحمل گشایش دموکراتیک را نخواهد داشت. دموکراسی خرده بورژوازی نیز فراتر از دموکراسی بورژوازی نخواهد رفت (تجربه انقلاب نیکاراگوه نمونه بارزی از این وضعیت است). اما، حامیان درون و برون مرزی «اصلاح طلبان» استدلال می‌کنند که با از میان رفتن «ولایت فقیه»، دموکراسی، آزادی و «جامعه مدنی» در ایران بوجود خواهد آمد. این فرضیات خلاف واقعیت‌های عینی است. اما، فرض شود که چنین باشد. در آنصورت مشکلات یک جامعه سرمایه داری عادی را در مقابل داشته، که این گرایشها باید به آنها پاسخگو باشند.

دموکراسی سوسیالیستی

در باره درک از «دموکراسی» سوسیالیستی دو انحراف وجود دارد:

اول، گرایش‌هایی که بر این اعتقاد استوارند که پیش شرط رسیدن به سوسیالیسم، ابتدا مبارزه برای دموکراسی است. این نظر عموماً توسط فرصت طلبان دمکرات، سوسیال دمکراتها و رفرمیست های ارائه داده می‌شود. گرچه همه اینها مدعی «سوسیالیسم» هستند، اما «مبارزه» آنها برای دموکراسی، هیچگاه فراتر از محدوده مطالبات بورژوازی نرفته و توهّمات پارلمانی را در میان کارگران دامن می‌زنند. آنان زیر لوای «مارکسیزم» و «سوسیالیسم» از مبالغان و حامیان تشکیل یک حکومت بورژوازی در ایران هستند.

دوم، نیروهایی که بر این اعتقادند که مبارزه برای دموکراسی در جامعه سرمایه داری اصولاً یک عمل «بورژوازی» است. این گونه عقاید عموماً توسط گرایش های فرقه گرا ارائه داده می‌شوند.

بر خلاف این دو انحراف، از دیدگاه سوسیالیسم انقلابی، مبارزه برای دموکراسی از جدال برای دسترسی به سوسیالیسم جدا نیست. دموکراسی برای پرولتاریا تنها به مفهوم دمکراتیزه کردن کل نظام اجتماعی و اقتصادی است. و آن نیز تنها از طریق سرنگونی دولت سرمایه‌داری و برقراری دولت کارگری، قابل تحقق است. سرنگونی رژیم سرمایه‌داری مترادف است با برقراری «دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا» و آن تنها نهادی است که کلیه موانع برای تحقق سوسیالیسم را از میان بر می‌دارد. بر خلاف تبلیغات سوء سوسیال دمکراتها، «دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا» به مفهوم یک رژیم «دیکتاتوری» اختناق آمیز اعمال شده توسط عده ای «کارگر» ماجراجو، نیست. «دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا» به مفهوم دموکراسی ای به مراتب عالی تر و عمیق تر از دموکراسی بورژوازی (دیکتاتوری اقلیت جامعه) است. چنانچه «دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا» دمکراتیک ترین شکل دولتی نباشد که تاریخ بشریت بخود دیده باشد، اصولاً هرگز گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم تحقق نخواهد پذیرفت.

خادمان سرمایه داری همواره «دموکراسی» را به مثابه شکلی از حکومت سیاسی (جدا از اقتصاد)، معرفی می‌کنند. نظریه پردازان بورژوا اذعان دارند که: "دموکراسی به معنای حاکمیت مردم بر مردم است!" بی معنی تر از این سخنی نیست. از

این حضرات باید پرسید که حاکمیت کدام «مردم» بر کدام «مردم»؟ کارگری که حداقل روزی ۸ ساعت کار کرده و چند ساعت نیز صرف ایاب و ذهاب به محل کار می کند، و دستمزد ناچیزی برای امرار معاش خود و خانواده اش می گیرد، چگونه می تواند از همان حقوق «دمکراتیک» یک میلیونر برخوردار باشد؟ این چه «برابری» ای است؟

«دمکراسی» بورژوازی تنها یک دمکراسی صوری است. می گویند «خریدار» و «فروشنده» کالا در بازار از «حقوق مساوی» برخوردارند. این درست! اما، این ظاهر قضیه است. در این معامله «برابر» یکی از طرفین (پرولتاریا) به علت فقر، مجبور به فروش نیروی کار خود در مقابل دستمزدی به مراتب نازل تر از ارزشی که تولید می کند، می شود. آنچه رخ می دهد یک عمل کاملاً غیر دمکراتیک و غیر عادلانه است. در واقع، صاحبان سرمایه، کارگران را به طور «نا برابر» استثمار می کنند و از این طریق صاحب ثروت بیشتر می گردند. «دمکراسی» بورژوازی، پوششی است بر این روند مشخص استثمار یک طبقه بر طبقه دیگر.

دمکراسی بورژوازی «صوری» است، زیرا وارد حوزه تولید اجتماعی نمی گردد. می گویند همه ی جامعه از آزادی بیان، تجمع، انتشار نشریات و باز کردن دفترهای حزبی برخوردارند. بدیهی است که چنین استدلالهایی همه بی اساس هستند. چگونه می توان بدون امکانات مالی سرشار مردم عادی (تشکلهای کارگران، جوانان و زنان) از همان ابزار تبلیغاتی سرمایه داران برخوردار باشند؟ تشکیل دفترهای حزبی و استخدام کارکنان «تمام وقت» نیاز به امکانات مالی دارد. کارگران فاقد چنین درآمد سرشاری هستند. در نتیجه تمام این تبلیغات غیر قابل تحقق هستند، مگر برای کسانی که امکانات مالی سرشار دارند.

می گویند در «جامعه مدنی» همه حق رأی داشته و می توانند نمایندگان خود را به مجلس آزادانه انتخاب کنند. اول، این انتخابات هر چند سال یکبار انجام گرفته، و نمایندگان طی این دوره به هیچ وجه قابل عزل و یا کنترل توسط مردم نمی باشند. در واقع این نمایندگان به عده ای «صاحب امتیاز» تبدیل گشته و کوچکترین ارتباطی با انتخاب کنندگان نخواهند داشت. دوم؛ این روش دست افراد ثروتمند و حزبهای وابسته به دولت را در هر منطقه جغرافیایی باز می گذارد تا اعمال نفوذ سیاسی کنند. سوم، قدرت اصلی سیاسی هرگز در پارلمان نیست که توسط دستگاه عریض و طویل بورکراتیک پشت درهای بسته، سازمان می یابد. این نهادها شامل کابینه وزرا، دادگستری، نیروی انتظامی، پاسداران، پلیس و «لباس شخصی» ها (ماموران امنیتی) هستند. سران این نهادها در واقع در جامعه سرمایه داری از تصمیم گیران اصلی به شمار می آیند و نه مردم. زیرا هیچکدام از این نهادها توسط آرای عمومی قابل تغییر نمی باشند و به صورت دائمی در مصدر قدرت قرار داشته و یا انتخاب آنها انتصابی می باشد.

مبارزه برای کسب حقوق دمکراتیک

گرچه از دیدگاه تاریخی پرولتاریا، «دمکراسی» بورژوازی چیزی نیست جز ابزاری برای تحمیق توده های مردم، طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه، برای پیشبرد مبارزه ضد سرمایه داری خود، از حقوق دمکراتیک نسبی کسب شده در جامعه سود جسته و برای گسترش این حقوق مبارزه می کنند.

اما، مبارزه طبقه کارگر و سایر قشرهای تحت ستم (مانند جوانان و زنان) برای دموکراسی با مبارزه اصلاح‌گرایان برای دموکراسی، کاملاً متفاوت است. پرولتاریا، مبارزه خود را فراتر از حوزه سیاست برده و از آن به مثابه وسیله ای برای لغو کامل نظام سرمایه‌داری استفاده می‌کند. به سخن دیگر، مبارزه اساسی طبقه کارگر در نهایت برای سرنگونی کامل بورژوازی است و نه حفظ و بهبود وضعیت موجود.

در عین حال، مبارزات برای حقوق دموکراتیک توده‌ها و کسب آن حقوق مانند کسب حقوق بیکاری، بیمه‌های اجتماعی؛ حق مرخصی؛ کسب حقوق دموکراتیک مانند آزادی بیان؛ حق تشکل و اعتصاب؛ آزادی تأسیس اتحادیه‌های و تشکل‌های مستقل کارگری؛ آموزش و پرورش رایگان؛ برای زنان و مردان در تمام سطوح؛ احترام به حقوق بشر؛ حق شکایت و دادگاهی کردن هر مقام دولتی توسط هر شهروند و غیره، زمینه را برای کسب تجربه عملی و آموزش سیاسی و سازماندهی کارگران، فراهم می‌کند. این تجارب اعتماد به نفس را در میان کارگران افزایش داده و روحیه مبارزه جویی آنها را تقویت می‌بخشد. اضافه بر آن، مبارزه برای مطالبات «انتقالی» (مانند کنترل کارگری، بار کردن دفترهای دخل و خرج سرمایه‌داران و غیره) که در نظام سرمایه‌داری قابل تحقق نیستند، راه را برای رودرویی هر چه بیشتر کارگران با دولت سرمایه‌داری باز کرده و تدارک سرنگونی کل نظام را تسهیل می‌کند. در وضعیتی که حتی یک رژیم بوژوا دموکراتیک (حتی بدترین شکل آن) در جامعه وجود نداشته باشد (مانند وضعیت کنونی ایران)، قیام‌های و طغیانهای مردمی، نارضایتی توده‌ها را انعکاس داده و زمینه را برای کسب تجربه عملی در مقابله با رژیم آماده می‌کند.

سازمان‌ها و حزب‌های رنگارنگ رفرمیستی در مقابل حرکت‌های مستقل کارگری بصورت غیر مستقیم ایستادگی می‌کنند. زیرا هدف آنها «اصلاح» نظام موجود است و نه براندازی آن. آنها حرکت‌های مستقل دانشجویی و کارگری امروزی را به عنوان «شورش‌های مرتبط به دول غربی» معرفی می‌کنند. آنها از کسب تجربه کارگران و دانشجویان هراسناک بوده، زیرا بدون این تجارب مردم ایران نمی‌توانند برای براندازی آماده شوند. تجربه اخیر اعتراضات دانشجویی نشان داد که همه اصلاح‌طلبان (حتی خود آقاجری محکوم به اعدام!)، دانشجویان را از حرکت‌های فراقانونی منع کردند.

طبقه کارگر ایران برای تدارک براندازی رژیم و مقابله با انحراف‌های رفرمیستی، تشکیلات و حزب سیاسی خود را باید تشکیل دهد. حزب‌هایی که بطور قیم‌مآبانه خود را «رهبر» طبقه کارگر معرفی کرده و بدون کوچکترین ارتباطی با کارگران پیشرو، از همگان دعوت به پیوستن به حزبشان می‌کنند، مسلماً قادر نخواهند بود که مبارزه با رفرمیسم و تدارک انقلاب آتی را سازمان دهند.

مبارزه برای تحقق دموکراسی سوسیالیستی (عالی‌ترین شکل دموکراسی در تاریخ بشریت)، با سرنگونی کامل رژیم سرمایه‌داری حاکم (همه جناح‌های آن)، و مبارزه با عقاید رفرمیستی در درون جنبش کارگری، گره خورده است. این امر نیز بدون تشکیل یک «حزب پیش‌تار انقلابی» متشکل از کارگران پیشرو، عملی نخواهد بود.

۱۷ آذر ۱۳۸۱

برای سایر مقالات به این سایت رجوع شود.

<http://www.kargar.org>